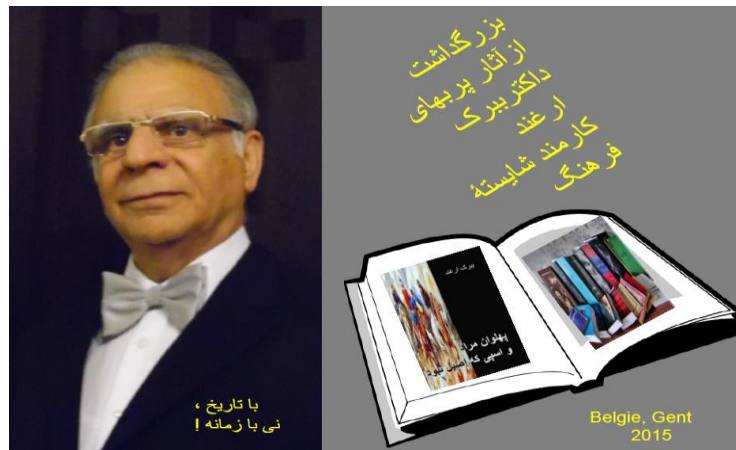


گزارشگر سایت نهضت آینده افغانستان

همایش بزرگداشت داکتر ببرک ارغند

در بلجیم برگزار شد



همایش بزرگداشت آثار پر بهای نویسنده محبوب و نامدار کشور داکتر ببرک ارغند روز شنبه پنج دسمبر سالجاری در شهر خنت کشور بلجیم با حضور داشت برخی از دانشمندان، مفاخر ادبی، شعرا و نویسنده گان افغانی، بلجیمی و ترکی و مسولان محلی با شکوه ویژه برگزار گردید.

همایش به همت والای فعالان فرهنگی به ویژه « اتحادیه همبسته گی ملی افغانها در بلجیم » و یاری و حمایت مقامات محلی، با هدف تبیین آرا، شخصیت و آثار ماندگار داکتر ارغند چهره ملی و تأثیرگذار فرهنگی کشور تدویر یافت. این گرد همایی زیر نام « بزرگداشت آثار پر بهای داکتر ببرک ارغند کارمند شایسته فرهنگ » به گرداننده گی شاعر، ژورنالیست و گرداننده زیر دست کشور خانم سهیلا حسرت نظیمی وردک پیشبرده شد.

جناب خلیل الله وفا خدر خیل رییس انجمن همبسته گی ملی افغانها در بلجیم که با پشتکار در نگه

داشت و معرفی فرهنگ والای افغانی سعی و تلاش خسته گی ناپذیر دارد و صداقت و اخلاص شان به وطن، مردم و فرهنگ پر بار کشور بی آایشانه و قابل قدر است با سخنانی کوتاه اما جامع و دانشمندانه (به زبانهای پشتو، دری و هالندی) همایش را افتتاح نمود.

جناب توم لاتهازر معاون والی خنت طی سخنانی رویکرد برگزار کننده گان را در اجرای برنامه های متنوع فرهنگی و هنری بمنظور معرفی فرهنگ مردم افغانستان ستود و آن را حرکت شایسته و نیک جهت معرفی مفاخر ادبی افغانستان و تقویت همسویی و همگرایی فرهنگهای دو کشور دانست و توفیق بیشتر گرداننده گان را آرزو نمود.

این برنامه سه بخش داشت :

- بخش سخنرانیها ؛

- خوانش سروده ها و موسیقی ؛

- خوانش پیام ها

سپس خانم سهیلا حسرت نظیمی با این شعر برنامه را بازگشایی نمود :

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیو و دد ملولم، انسانم آرزوست

گفتند : یافت می نشود، جسته ایم

گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست

خانم سهیلا که به هر دو زبان (دری و پشتو) گرداننده گی میکرد ضمن سخنانی گفت : « واضح است که در این سخنرانیها ابعاد مختلف زنده گی ادبی داکتر ببرک ارغند پایگاه اصلی پردازش ما خواهد بود. آشکار است که آرزو و نیت ما قدر دانی از آفرینشهای ماندگار این بزرگ مرد ادبیات ماست. در حاشیه

این سخن امید وار هستم این نشست گامی باشد در راستای متحد ساختن نیروهای ملی، مترقی، دموکرات و تامین عدالت و بلند نگه داشتن درفش آزادی بیان، همانگونه که آرزوی این نویسنده بزرگوار است

خانم سهیلا افزود: « ارغند از سی و پنج سال به اینسو مینویسد و دارنده لقب کارمند شایسته فرهنگ است. زنده گی این نویسنده از آغاز تا کنون با نحوی از انحا با سیاست، ژورنالیزم و اندیشه ورزی و ادبیات گره خورده است، به ویژه با رمان، کور گره خورده است. هرکجا که نامی از این گستره ها به میان آید جایگاه این نویسنده درخشان است. اگر تنگ نظری نکنیم مقام این نویسنده با آفرینش رمانهای شش گانه چون « لبخند شیطان»، « پهلوان مراد و اسپه که اصیل نبود» و دیگران در صدر و فراز حوزه رمان نویسی کشور قرار دارد. سپس جناب داکتر ارغند روی سٹیژ دعوت شدند. ایشان در حاشیة سخنرانی شان گفتند: « ادبیات چنین است، مرز نمیشناسد، دوستی و عشق و الفت میآفریند. دلها را بهم نزدیک میسازد و پیوند های انسانی را مستحکمتر میگرداند. این درست است که رژیمها سقوط میکنند، امپراطوریهها فرومیپاشند و دیکتاتورها میمیرند؛ ولی ادبیات و آثار ادبی و هنری پا بر جا و ماندگار اند و مایة خرسندی میباشند. میدانیم که ادبیات جلوه گاه اندیشه، آرمان، فرهنگ، تجارب و روحيات یک جامعه است و آفرینشگران زنده نگهدارنده آن.»

ایشان افزودند: « زمان حکم میکند تا مشتها را فشرده تر سازیم و آفرینشگران را فرا خوانیم تا دست بدست هم به پاسخ تروریستان و قاتلین فرخنده ها، رخشانه ها و تبسمها در افغانستان و قربانیان تروریسم در فرانسه، عراق و سایر سرزمینها بپردازیم و در صف داد خواهی برای محرومان کشورها متحدانه بیاستیم. بگذار ادبیات رشد کند و قلمها شگوفه بدهند! بگذار بجای آن عده انسانهای ناتوان و علیلی که مَهر سکوت بر لب میزنند، پرسوناژهای داستانها و نمایشنامه ها در کنار راد مردان و شیر دختران کشورم وارد میدانهای نبرد حق علیه باطل شوند! بگذار شعر علمبردار باشد و طنز طبل زن این رزمگاه!

من سی و پنج سال پیش با « سیدال» و « گلی» با داستان « دریا» آغازیدم و تا « نقطه؛ سرخط»

رسیدم. در این مسیر بعضیها در کنار من بودند و بعضیها هم در برابرم. خوشحالم که تاریخ به کمک شتافت و در پیشگاه مردم خود سر افکنده نماندم. با سر بلندی میتوان گفت که هیچکدام از آن داستانهایم که آماج کین غار نشینان و عاج نشینان قرار داشت اکنون نیز امروزه گی خود را از دست نداده اند.

آرزو مندم آن روز فرا رسد که دیگر صدای خمپاره و نفیر گلوله خواب مردم رنجیده ما را بر هم نزنند و هیولای تاریک اندیشی مانع آزادی زنان کشور نگردد و کودکان را بجای بستن کمربندهای انتحاری راهی مکاتب سازند.»

جناب قادر مسعود، ژورنالیست و تصویر پرداز کلیه‌های زیبا که همه بانام شان آشنا هستیم روی ستیژ آمد و پس از ابراز نظر پیرامون ابعاد مختلف شخصیت ادبی و پر بار ببرک ارغند، زنده گینامه ایشان را به خوانش گرفت.

سپس خانم سهیلا با خوانش این پارچه زیبا :

زین شام شام

سنگی به آشیانه فریاد میزنم

... شاید که واژه یی

از خیل عاشقانه ترین واژه های صبح

از دام

پر کشد...

رشته سخن را به دانشمند توانا، ادبیات شناس و شاعر والا مقام جناب داکتر عبدالله نایی سپرد. جناب نایی را همه میشناسیم. ایشان صاحب مقالات متعدد، کتاب معروف « راهی بسوی داد » پنج مجموعه شعری و پنج اثر تحقیقی چاپ شده اند. ایشان طی سخنرانی خویش مقام والای ارغند را در ادبیات

کشور ستود و آثار ایشان را بی بدیل خواند. گفت: ارغند در رمان سفر پرنده گان بی بال « ایدیو لوژی زیسته شده » را به حیث معمار نامریی زنده گی آدمها در متن یک واقعیت تلخ نشان میدهد. نشان دادن رنج و تیره روزی یک زن افغان کار دشوار نیست، ولی نشان دادن این که چنین زنی (مثلاً عتیقه) چگونه توهمات ایدیولوژیک مسلط را (که همه رفتارها و مواضع اش را چون جادوگری در طلسم خود دارد و آنها را رهنمون میشوند) زنده گی میکند و آنها را از طریق زنده گی خود به واقعیت تبدیل میکند، گرهی ترین مسأله است. این جاست که ادبیات به حیث « وسیله ایدیولوژیک » در گیر نبرد ایدیولوژیک میشود. از نبرد ایدیولوژیک تا نبرد طبقاتی فقط یک « دور دادن سکه » فاصله است.

رمان سفر پرنده گان بی بال چون « خوشه های خشم » (اشتاین بک) چون « پلی بر رودخانه درینا » (از اندره ویچ برنده جایزه نوبل) چون « رود بار آهن » از (سیرا فیموویچ) یا « زنگها برای کی به صدا در می آیند » از (ارنست همینگوی) ؛ اثریست تکانه دهنده، غافلگیر کننده، بسیار گیرا و به یقین ماندگار. ر. باز نمایی هنری واقعیت سه دهه جامعه افغانی که انباشته از گسسته های درد آلود پیوند های اجتماعی چندین سده یی، متوقف شدن ناگهانی سیر رویاها و آرزوهای دیرینسال آدمها توسط رویداد های تراژیک، فروریخته شدن تندیس های بد ریخت ارزشواره های کهن آزادی کش و بحران نظام ظالمانه اخلاقیات مسلط است، کاریست بسیار دشوار که ببرک ارغند با چیره دستی هنری، با وسواس یک باستانشناس و با موشگافی یک پژوهنده علمی از عهده آن بدر شده است.

در این همایش جناب داود اسعد شخصیت سیاسی - فرهنگی و یکی از دوستداران ادبیات و آثار داکتر ببرک ارغند طی سخنرانی کوتاه خویش از فرایند برگردانی مجموعه « شراره » نوشته این نویسنده به زبان آلمانی خبر داد و جلد های برگردان شده را به علاقه مندان پیشکش نمود.

خانم سهیلا توتیه یی از نوشته دانشمند و منتقدی که پیرامون رمان سفر پرنده گان بی بال نگاشته شده بود را به خوانش گرفت :

« من بی آن که نیازی به احساساتی شدن داشته باشم از ژرفای فهم و ادراک خویش ادعا میکنم که تا حال در هیچ اثر داستانی زبان دری-فارسی با اینگونه بیان سرشار از طنز و تمثیل و استعاره و کنایه و

تصویر پردازی رنگین در بارهٔ تقدیر تاریخی زن در جامعه بر نخورده ام...»

در جمع سخنوران، ژورنالیست، ادبیات شناس و آگاه مسایل سیاسی. مسول ماهنامهٔ «راه آینده» جناب دستگیر هژبر نیز تشریف داشت. ایشان پیرامون ابعاد مختلف شخصیت ادبی -سیاسی این نویسنده سخنرانی مبسوط نموده، آثار این نویسنده را اثر گذار و بی بدیل خواند.

سپس جناب میمت کارامان، خانم ایوا خاری، و جناب داوید تروخ شاعر فرهیخته بلجیمی و فه کی ایدر شاعر شیرین زبان ترکی گفتنیها و ساخته های شان را شنواندند که با استقبال گرم حضار بدرقه شدند.

همچنان شاعر فرهیخته و پیشکسوت جناب رحیم رامشگر (پزشکِ روان درمانی) با ارج گذاری به آثار داکتر ارغند و بزرگداشت آنها، ایشان را نویسندهٔ بلند مرتبت و نامدار کشور خواندو از گرداننده گان محفل نسبت این اقدام نیک و شایستهٔ شان سپاس گذاری نمود. جناب رامشگر طی سخنرانی خویش یاد آور شد که فرخنده خواهد بود اگر زمینهٔ تدویر چنین محافل در سایر کشورها نیز فراهم آید تا باشد که جوانان ما و مردمان کشورهای میزبان با فرهنگ غنی و مفاخر ادبیات ما بیشتر آشنا شوند. سپس پارچهٔ دلپذیری از اشعارش را دکلمه نمود که با گرمی استقبال گردید.

بخش دیگر محفل را شاعر و گویندهٔ جوان و با استعداد جناب الماس معارج با گرمجوشی گرداننده گی کردند و شاعران فرهیخته، با استعداد و جوان : جناب جابر منظر، جناب اسد خاطر، جناب سید عمران ستومان و جناب سهیل شینواری اشعار زیبا و پر از معنی و مفهوم خویش را به خوانش گرفتند که مورد استقبال گرم قرار گرفتند.

به اثر خواهش علاقه مندان جناب عبدالله ناییبی و خانم سهیلا حسرت نظیمی نیز سروده های نابی را پیشکش نمودند که با کف زدنها استقبال شدند.

در همایش پیامهای جناب پوهاند داکتر مجاور احمد زیار، جناب دستگیر نایل، لوح تقدیر از انجمن فرهنگی و کلتوری خط سوم و یادگار انجمن همبسته گی ملی افغانها در بلجیم به خوانش گرفته شد. همچنان جناب انجنیر حضرت پیامها و شادباشهای جناب باری جهانی وزیر اطلاعات و فرهنگ، جناب

عبدالغفور لیوال، امین باوری، زرین انحور، نجیب الله احمد زی، جناب غریب و پوهندوی رسول باوری
از کابل را وسیله شدند.

جناب پوهاند دکتور مجاور احمد زیار طی پیام خویش نوشتند :

د انگلستان له اکسفورډه د پوهاند دوکتور م.ا. زیار پیغام

دیسمبر ۲۰۱۵

دوکتور ببرک ارغند د یوه بشرپال (انسانگرا) ژورنالیست او ناولیست په توگه هماعسی چې
نومیالی صوفي شاعر رحمان بابا درې پیری پخوا په خپله پییلی وینا کي

(زه عاشق یم سروکار می دی له عشقه

نه خلیل، نه داووزی یم، نه مومند)

حُان ((عاشق)) راپیژندلی، دغسی زموږ د دې پیری نومور ژورنالیست او ناو لیست دوکتور
ببرک ارغندهم، په ناپییلی وینا کي تر هغی له مخه چې حُان راته، ارغندیوال او بیا سلیمانخیل
پښتون راویژني، یو انسان مین (هوما نیست) رازبادکری دی.

که نه کیدای شي، په پښتو او پارسي کیسه لیکوالو او ناول لیکوالو کي له خومره بیز او خرنگیز
پلوه لږو ډېرې داسې نورې وتلې څیرې ولرو، خو گومان نه کوم، د ارغند په څیر یې په خپلو
پنځونو کی داسې لوړ هنري پرداز او رواني (تحلیل و تجزیه روانی) شنه څیرنه او انسانی پیغام
سره دومره اخبلی راخبلی اوسي

د بیلگې په توگه یې د څلورم رومان ((لبخند شیطان)) جوړه اتلان، چې ما یې له ژبني-گردودي
پلوه د ارزونې ویاړ لرلی، له دوه توکمو څخه را غوره کړي، یوه پښتنه پیغله او یو هزاره ځلمی،
چې بی شک و شوپیانه یې په دغه غوراوي کي د جنگ و جهل ځپلی ټولني له اوسنیو ژبتوکمیزو
او سیمه بیزو ناخوالو څخه الهام اخبستی دی. د رومان پیلامه او منځ و میانه یې په هر ډول، د
هرارخیز نو بنتگرانه پرداز، راکښون او تلوسی (سسپنس) له پلوه تر جادویی (مېجیک)
ریالیزمه هم پسې وراړولې، خو پایله یې له یوه بی ساري انسانی- عاطفي انځور گری سره خپله
(ملي) او ((بشري)) ژمندویی او استازندویی هم په ټوله مانا پر زباد رسولي: پر هلك او نجلۍ
باندي چې د خپل گډ ټاټوبي له اور و وینوڅخه تښتیدلي، کرا کړي بیړی اوري او دبالکان
غرڅپي یې ورو ورو ډوبوي، تر روستی سلگی پوري سره په مینه مینه غرپري او یو د بل لاس
نه خوشي کوي !

د ویرژلي انسان پر وړاندې ژمندوی لیکوال دوکتور ارغنده لا اوږد او روغن ژوند و ژواک غواړم !

د گران فرهنگيال خدرخيل او ستاسي د ټولو درنو برخوالو خواخوږی

پوهاند دوکتور زیار

دستگیر نایل شاعر و نویسنده نام آشنا طی پیامی نوشتند :

« از جانب دوکتور ببرک ارغند نویسنده و رمان نویس نام آور افغانستان سپاسگزار باید بود. از برگذارکننده گان و فرهنگیان و افغانان عزیز مقیم بلژیک که از یک نویسنده، سیاستمدار و شخصیت نیکنام فرهنگی جناب دوکتور ببرک ارغند در زمان حیاتش بزرگداشت و قدر دانی مینمایند. نهایت احساس شرمنده گی مینمایم که بدلائیل خاص در این همایش با شکوه و بزرگداشت از دوست عزیزم جناب ارغند نتوانستم شرکت نمایم. من ببرک ارغند را از دهه شصت هجری بدینسومی شناسم. ببرک ارغند یک نام آشناست، آشنا با داشتنهای کوتاهش، با نوشتن نمایشنامه ها و رمانهای بلندش چون پهلوان مراد واسپی که اصیل نبود، لبخند شیطان و بسیار دیگر. و نام آشناست بدلیل تعلق خاطرش و دلبستگی اش در یک جریان چپ دموکراتیک در کشور ما. تا آنجا که من از خواندن رمانهای بلندو ارجمند دوکتور ببرک ارغند فهم و درک کرده ام، این نویسنده ژرفنگر و تصویر گر بزرگ به فرهنگ و زبان اصیل مردم اش، عشق آتشینی دارد که از آثار او رنگ و بوی ریالیسم اجتماعی و ادبی خاصی به مشام میرسد. عطر دل آویز انسان دوستی دارد و خواننده را به ژرفنهای زنده گی مردم، آشنا میسازد. در نمیرخ دیگر آثار او، انسان را در مبارزه با استبداد و خودگامگی های زمامداران مرتجع و متولیان دینی که از دین باوریهی مردم ابزاری برای منافع آزمندانۀ خود ساخته اند، دعوت میکند. تصاویر نظام مرد سالاری در رمان سفر پرنده گان بی بال او و محکومیت زن در جامعه سنتی ما، یکی از ویژه گیهای خاص آثار این نویسنده است. در واقع ببرک ارغند، یک هنرمند مو شکاف، یک نقاش ماهرو یک تصویرگر واقعی زنده گی رقتبار جنس زن در جامعه سنتی ما است. در بارۀ زیبایشناختی و صناعات ادبی آثار ارغند هم میتوان دفتر ها نوشت. من فقط با عرض ارادت و تبریک به جناب ارغند

و سپاسگزاری از برگزارکننده گان این همایش با شکوه، عمر پر بار و قلم پر رنگ و نیروی بیشتر در آفرینش آثار دیگر، برایش آرزو میکنم. کام و دهان همه شما سروران از شربت عشق و آزاده گی و بزم وصال همدلان، شیرین باد!

(دستگیر نایل - دسامبر ۲۰۱۵ - لندن)

خط سوم نوشت :

«جناب محترم دوکتور ببرک ارغند!

شما نیمه عمر گرانبهای خویش را با کارهای خلاق روشنگری و انعکاس ارزشهای انسانی حاکم بر زنده گی مردم افغانستان در آثار خویش صرف نموده و مصدر خدمت شایانی گردیده اید و آثار گران سنگ شما منبع الهام و افتخار هر افغان وطن دوست میباشد. نهاد

اراده کرده است تا با تقدیم این لوح تقدیر به پاس کارهای ارزشمند و ماندگار شما شخصیت فرزانه ادب و فرهنگ، نویسنده، ژورنالیست، نمایشنامه نویس و روزنامه نگار ورزیده دست ادب بلند کرده و تحسین نماید. از بارگاه ایزد منان موفقیتهای بیشتر، طول عمر و صحت کامل برای تان استدعا مینماید».

اتحادیه همبستگی ملی افغانها در بلجیم نگاشت :

«شما جناب عالیقدر داکتر صاحب ببرک ارغند نویسنده نامدار کشور کتب،رمانهای زیاد در زبان و ادبیات دری همچنان کلتور و فرهنگ افغانها نوشته اید و اتحادیه همبستگی ملی افغانها از شما دانشمند گرامی اظهار قدر دانی و سپاس نموده صحت و موفقیتهای مزید تان را در این راستا از بارگاه ایزد توانا استدعا دارد. «

همایش در حدود ساعت دوازده و نیم شب در فضای گرم و صمیمی به پایان رسید و خاطراتش ماندگار شد.



